

فصلنامه پژوهش حقوق
سال سیزدهم، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۰
صفحات ۳۷۷-۴۰۰

بررسی مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی

دکتر ناصر قاسمی

استاد یار و مدیر گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

فلورا حیدری floraheidari@yahoo.com

کارشناس ارشد حقوق محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۲۰

چکیده

حق استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب می شود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است که حقوق مدنی یکی از عرصه های بیان کننده چنین تکلیفی است. اگر بشر به دنبال محیط زیستی سالم است، باید به دنبال روش هایی باشد که متضمن پیشگیری و جلوگیری از ورود خسارت بر محیط زیست است. یکی از طرق مؤثر در جلوگیری از ورود خسارت های زیست محیطی، به کار بردن راه کارهای حقوقی است که از این میان می توان به مسؤولیت مدنی آلوده کنندگان محیط زیست اشاره کرد که می تواند در حفظ محیط زیست مورد توجه و اجرا قرار گیرد. مسؤولیت مدنی ناشی از لطمه و اختلال بر محیط زیست، راه و طریقی است برای اجبار و الزام آلوده کنندگان محیط زیست به جبران خسارتی که سبب شده اند یا روشی برای جبران خسارت متحمل شده توسط زیان دیده است که به شرط تحقق سه رکن خسارت، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین خسارت وارده و فعل زیانبار، حق اقامه دعوی برای زیان دیده علیه عاملین خسارات زیست محیطی وجود دارد. هم چنین، در زمینه محیط زیست به عنوان ابزاری جدید محسوب می شود که در جهت پیشگیری و جبران خسارات زیست محیطی اقدام می کند و از وقوع خسارات در آینده نیز، جلوگیری خواهد کرد.

واژه های کلیدی: مسؤولیت مدنی، محیط زیست، خسارت زیست محیطی، جبران خسارت زیست محیطی.

مقدمه

محیط زیست که موهبت و نتیجه لطف الهی به بشر می‌باشد، موضوعی است که علاقه برای سالم نگاه داشتن آن و بعبارتی، حمایت از آن در برابر رفتارهای گوناگون آلاینده از گذشته‌های دور وجود داشته است، با این تفاوت که در آن ایام اهمیت و ارزش آن مانند امروز برای بشر شناخته شده نبود.

از زمانی که انسان بر طبیعت اطراف خود مستولی شد و توانست تا حد زیادی در آن دخل و تصرف کند، تعادل نظام زیستی برهم خورد و هر چه این دخل و تصرف بیشتر می‌شود، عدم تعادل نیز، نمایان‌تر می‌گردد تا آن جا که امروزه موضوع چگونگی و استمرار حیات بشر به جایی رسیده است که خود او به این فکر افتاده تا چاره‌ای برای رهایی از دامی که خود گسترانده است؛ بیابد. البته این امر به مفهوم متوقف شدن وقوع خسارت‌های زیست‌محیطی از قبیل آلودگی و تخریب محیط‌زیست نمی‌باشد، بلکه به مفهوم آگاهی یافتن نسبت به وضعیت خطرناک موجود است.

بشر نایستی به طبیعت اطراف خود به عنوان یک وسیله بنگرد و به خود اجازه دهد هر نوع که می‌خواهد از آن بهره‌برداری کند، بلکه باید روابط خود را با آن به روابط انسانی تبدیل کند و از اقدام به رفتاری که باعث ورود خسارت و آسیب بر محیط‌زیست می‌شود؛ پرهیز نماید. او باید قانون طبیعت را رعایت کند؛ زیرا این قانون بقاء و دوام تمام موجودات و نظام زیستی را ضمانت می‌کند؛ اما نادیده گرفتن این قانون و تحمیل قانون بشر بر طبیعت، باعث برهم خوردن تعادل نظام زیستی و ورود خسارت‌های زیست‌محیطی خواهد شد و سرانجام حیات انسان را نیز، با خطر مواجه خواهد کرد و در این هنگام واردکنندگان خسارت اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، مسؤول جبران خسارت وارده می‌باشند.

مسئولیت مدنی که خود از مباحث حقوق مدنی است و شاخه مستقلی از علم حقوق را تشکیل می‌دهد، هدف اصلی آن توسعه عدالت و نظام کارآمد جبران خساراتی است که واقع می‌شود و نباید در زمینه خسارات زیست‌محیطی آن را جایگزین تلاش برای مجازات عاملان زیان یا کاهش آلودگی نمود، هر چند که چنین اندیشه‌ای وجود دارد و گاه اقداماتی نیز بر این راستا صورت می‌پذیرد. مسئولیت مدنی ناشی از تجاوز بر محیط‌زیست، در طول تاریخ حیات بشر پیشینه‌ای طولانی و جنجال برانگیز دارد. در حقوق بیشتر کشورها مسئولیت محض یا مطلق در خصوص برخی از آلودگی‌های زیست‌محیطی پذیرفته شده است و در سایر آلودگی‌ها از مسئولیت مبتنی بر تقصیر پیروی می‌شود و با توجه به آن که یکی از ابعاد حفاظت محیط‌زیست، پیش‌بینی نظام

حقوقی مسئولیت مدنی در جهت مقابله با واردکنندگان خسارت بر محیط زیست می باشد، اعمال این ضابطه در نظام حقوقی موجب کارایی بیشتر قوانین زیست محیطی در برخورد با متخلفین خواهد بود و با ارایه راه کارهای مناسب می توان قانونگذار را در جهت قانونمند کردن این عرصه مساعدت کرد.

۱. مسئولیت

واژه مسئولیت در لغت مصدر جمعی از ریشه «سأل» به معنای بازخواست، مؤاخذه، ضمانت و ضمان است. در فقه و حقوق، مسئولیت عبارت است از تعهدی که به موجب ضرر وارده به غیر، در برابر قضاء برای شخص به نفع فرد متضرر به وجود می آید و در پی آن برای او نتایج مدنی، کیفری و یا تأدیبی به بار می آورد. (انصاری، طاهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۸۳۹) بعبارتی، تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد و یا ناشی از فعالیت او شده باشد، در بیان واژه مسئولیت آمده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۶۴۲) هم چنین، مسئولیت یعنی از کار و فعل انجام شده مورد سؤال واقع شدن و حالتی است که انسان در آن از عمل خود مؤاخذه می شود. (یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۲۶) و تعهدی است که شخص به جهت مقام یا سمت خود برای انجام یا عدم انجام وظیفه ای دارا است. (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸) مسئولیت لازمه داشتن اختیار است. انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش، آگاه و مسؤول آن می باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۶)

۲- انواع مسئولیت

مسئولیت ممکن است شامل مسئولیت اخلاقی یا مسئولیت حقوقی (بطور اعم) باشد که در مورد هریک توضیحاتی ارایه می شود.

۲-۱. مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی الزامی است که شخص در وجدان خویش در برابر گفتار، اعمال و افکار خود دارد. اگر عمل شخص با حسن نیت باشد، شخص مورد مؤاخذه قرار نمی گیرد و اگر قصدی خلاف قاعده اخلاقی داشته باشد، مسؤول است. (ساکت، ۱۳۷۱، ص ۴۵۰)

۲-۲. مسؤولیت حقوقی

مسؤولیت حقوقی مسؤولیتی است که بر وظیفه قانونی هر شخص نسبت به انجام عمل یا ترک آن دلالت می‌کند که خود شامل مسؤولیت کیفری و مسؤولیت مدنی می‌باشد. (یزدانیان، همان، ص ۳۱)

۲-۲-۱. مسؤولیت کیفری

مسؤولیت کیفری مسؤولیت مرتکب جرمی از جرایم موجود در قانون را می‌گویند و شخص مسؤول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید. (جعفری لنگرودی، همان، ص ۶۴۲) به عبارت دیگر، بر التزام شخص مکلف به پاسخ‌گویی آثار و نتایج زیانبار فردی و اجتماعی عمل مجرمانه‌ای که انجام داده یا ترک کرده است؛ دلالت دارد. (ولیدی، ۱۳۷۳، ص ۲۸)

۲-۲-۲. مسؤولیت مدنی

شرط اساسی و اولیه برای مصداق یافتن مسؤولیت مدنی که محور اصلی بحث حاضر را تشکیل می‌دهد، وجود خسارت است. اگر عملی هرچند نامتعارف و ناشایست و حتی جرم نیز باشد، چنانچه خسارتی به بار نیاورد، مسؤولیت مدنی تحقق نمی‌یابد. (آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۶) و اهداف دیگر مانند تنبیه واردکننده زیان یا بازدارندگی نسبت به سایر اقدامات زیانبار که در مسؤولیت کیفری از جمله اهداف اصلی می‌باشد، در مسؤولیت مدنی نقش فرعی ایفا می‌کند. (Prosser, 1964, p.7) در این نوع از مسؤولیت، چهره کیفری و مکافات دهنده کارهای ناصواب جای خود را به جبران خسارت داده است. (کاتوزیان، همان، ص ۴۶) به نظر می‌رسد که می‌توان مسؤولیت مدنی را چنین تعریف کرد: «هرگاه شخصی متعهد به جبران خسارت وارده بر دیگری باشد که این خسارت عرفاً منسوب به وی باشد و شخص هیچ حق مشروعی در اضرار به غیر نداشته باشد، مسؤولیت مدنی در جبران خسارت خواهد داشت». (یزدانیان، همان، ص ۲۷)

بطور کلی مسؤولیت مدنی به سه شکل قابل تحقق است:

- ۱- متأثر از عمل شخص زیان‌زننده باشد؛
- ۲- شخص باید خسارات ناشی از فعل زیانبار دیگران را جبران نماید؛
- ۳- منشأ خسارت وارده اموال و اشیایی تحت مالکیت تصرف شخص باشد. (آبادی، همان،

بر مبنای مسئولیت مدنی رابطه ویژه‌ای بین زیان‌دیده و مسؤول به وجود می‌آید. زیان‌دیده، طلبکار و مسؤول، بدهکار می‌شود و موضوع بدهی جبران خسارت است که بطور معمول با پرداخت پول انجام می‌پذیرد. (کاتوزیان، همان، ص ۴۶) بنابراین، التزام قانونی جبران خسارت وارده یکی از مباحث اصلی در مسئولیت مدنی است که گاهی ورود این خسارت ناشی از نقض قرارداد یا تأخیر در اجرای آن می‌باشد که در این مفهوم، مسئولیت مدنی التزام به جبران خسارت وارد آمده بر دیگری است که این التزام را مسئولیت ناشی از قرارداد یا مسئولیت قراردادی (مسئولیت در معنای عام) می‌نامند. (فهیمی، ۱۳۸۴، ص ۲۸) و حل اختلاف بین زیان‌دیده و مسؤول واردکننده خسارت براساس مفاد قرارداد است. (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۵) زمانی نیز، عهده‌ی در میان نیست؛ ولی تکلیف عمومی و عدم اضرار به غیر، حکم به جبران خسارت می‌نماید که تحت عنوان مسئولیت غیرقراردادی یا قهری یا قانونی (مسئولیت در معنای خاص) نامیده می‌شود. (فهیمی، همان، ص ۲۷) یعنی مسئولیتی است که ناشی از واقعه حقوقی و قانونی می‌باشد. (یزدانیان، همان، ص ۳۶) و این مسئولیت به مواردی مربوط می‌شود که قانونگذار تکالیف عامی را برای همگان تعیین کرده است و در اثر تخلف از آن خسارتی به دیگران وارد می‌آید. (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۱۹)

مسئولیت مدنی در معنای وسیع شامل مسئولیت‌های ناشی از نقض قرارداد و مسئولیت‌های غیرقراردادی، مسئولیت ناشی از رفتارهای زیانبار را در بر می‌گیرد. (Bar, 1998, p.2-3) همچنین، براساس اصل عدم تجمع مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیرقراردادی، در مورد یک خسارت نمی‌توان از هر دو مبنای قراردادی و غیرقراردادی استفاده کرد. (Bell & others, 1998, p.331)

۳. مفهوم محیط زیست و خسارات زیست محیطی

درباره مفهوم «محیط زیست» و «خسارات وارده بر محیط زیست» عبارات متفاوتی ارائه شده است. در تعریف محیط زیست آمده است که، «محیط زیست عبارت است از: محیطی که فرآیند حیات را فرا گرفته است و با آن بر هم کنش دارد. محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی و نیز، فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند؛ تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین یعنی زیست‌کره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد. هم‌چنین، محیط زیست محیطی است با خصایص بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی معین که در آن محیط، بشر و سایر موجودات ذی‌حیات در طول زندگی خود می‌توانند از یک زندگی طبیعی بهره‌مند باشند و به عبارت دیگر، محیط زیست از

مجموعه موجودات، منابع، عوامل جاندار و غیر جاندار و شرایط هماهنگی که پیرامون هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات بشر به آن وابسته است؛ تشکیل می‌شود و به عنوان هدیه‌ای الهی می‌باشد». (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۷-۲۶)

نسل انسان بطور مستقیم و غیرمستقیم به محیط زیست وابسته می‌باشد و هرگونه فعالیت آدمی و پیشرفت و ترقی انسان‌ها و جوامع بشری منوط به وجود و استمرار فضا و محیط مناسب جهت زندگی و زیست آن‌ها می‌باشد. در صورتی که بشر فضا و محیط مناسب و سالمی جهت زندگی در اختیار نداشته باشد، بدیهی است که از هرگونه تلاش و فعالیت باز خواهد ماند. (قوام، ۱۳۷۵، ص ۴) انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین، حق دارد از نعمت‌های الهی استفاده کند؛ اما این استفاده نباید آن چنان باشد که حق دیگران در بهره‌برداری از این نعمت الهی در خطر قرار گیرد. به عبارت دیگر، انسان همان‌گونه که حق استفاده و برخوردارگی از محیط زیست سالم را دارد، مسؤولیت استفاده صحیح از آن را نیز، برعهده دارد. این حق ضمن این که داشتن محیط زیستی امن و سالم را برای همگان تضمین می‌کند، وظیفه خودداری از فعالیت‌هایی را که بر محیط زیست صدمه می‌زند، بر افراد، سازمان‌ها، شرکت‌ها و دولت‌ها تحمیل می‌کند. حق برخوردارگی از محیط زیست سالم، در درون خود متضمن چند حق دیگر است که عبارتند از: حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، حق آموزش مسایل زیست محیطی، حق تصمیم‌گیری در مورد مسایل محیط زیست و حق دادرسی و جبران خسارت زیست محیطی. (فیروزی، ۱۳۸۴، ص ۶۶ و ۶۸) بنابراین، مجموعه اقدام‌های مسؤولانه بشر در برابر محیط زیست در دو بخش مثبت و منفی قابل تحلیل می‌باشد. اقدام‌های منفی شامل دست‌کشیدن از کلیه رفتارهایی است که به برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست و تخریب و نابودی عناصر آن منجر می‌شود و اقدام‌های مثبت نیز، عبارت است از: کلیه کارهای شایسته‌ای که به احیای محیط زیست و حفظ سلامت آن و ایجاد تعادل هرچه بیشتر زندگی در آن بینجامد. (تاریمرادی، فخلعی، ۱۳۸۵، ص ۳۳) و این امر تنها با مشارکت همگانی و احساس همبستگی فراملیتی و پدید آمدن جهانی واحد امکان‌پذیر می‌باشد؛ زیرا در سایه نظام جهانی واحد است که تنازع بر سر ربودن هرچه بیشتر امکانات حیات پایان می‌پذیرد. (اکرمی، ۱۳۸۱، ص ۵۱)

عنوان «خسارت زیست محیطی» بیشتر بر خسارت‌های با واسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشته است. دشواری اصلی درباره تعریف «خسارت زیست محیطی» این است که قربانی چنین خسارتی انسان است یا محیط زیست؟ در پاسخ به این سؤال دو گرایش اساسی وجود دارد:

۱- برخی از حقوقدانان، محیط‌زیست را منشأ ورود خسارت به انسان دانسته‌اند. به عقیده آنان خسارت زیست‌محیطی عبارت است از: «خسارتی که به اشخاص و یا اشیاء از طریق محیط‌زیستی که در آن زندگی می‌کنند؛ وارد می‌شود» (کاتوزیان، انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۵).

۲- عده ای از حقوقدانان، خسارت به خود محیط‌زیست را صرف‌نظر از بازتاب‌های آن قابل مطالبه دانسته‌اند و خسارت وارده به اشیاء و پدیده‌های زیست‌محیطی را در تعریف خسارت زیست‌محیطی مدنظر قرار می‌دهند. هم‌چنین، آلودگی آب، هوا یا خاک و ... را نیز، در زمره این تعریف دانسته‌اند، هرچند که آثار غیرمستقیم این خسارت به انسان‌ها نیز برمی‌گردد. بنابراین، در تعریف آن گفته‌اند که، «خسارت زیست‌محیطی عبارت است از: خسارتی که بطور مستقیم بر محیط پیرامون وارد می‌شود، بدون توجه به بازتاب‌هایی که این خسارت بر اشیاء و اموال دارد» (همان، ص ۲۹۶-۲۹۵).

هم‌چنین، مفهوم «خسارت زیست‌محیطی» به خسارتی اطلاق می‌شود که در محیط‌زیست به وجود می‌آید. یعنی تغییر در بخش خاص یا کل محیط‌زیست که پیامد زیانبار قابل توجهی بر کیفیت خود محیط‌زیست داشته باشد، یا تغییر در توان محیط‌زیست برای حفظ یک کیفیت قابل قبول حیات یا یک تعادل و توازن ماندنی و پایدار زیست بوم (ولفروم، ۱۳۸۱، ص ۶۹).

کمیسیون اروپا «خسارت زیست‌محیطی» را به عنوان یک لطمه و اختلال زیستی یا شیمیایی در محیط‌زیست می‌داند و نیز، هرگونه فساد بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی در محیط‌زیست را به عنوان خسارت زیست‌محیطی می‌شناسد. به عبارت دیگر، خسارت زیست‌محیطی به ایجاد هرگونه ضرر و زیان تعبیر می‌شود (www.eeb.org.3/24/2009).

در دهه‌های اخیر موضوع محیط‌زیست و خسارات زیست‌محیطی به یکی از کلیدی‌ترین مباحث جهانی تبدیل شده است. از مصادیق عمده این خسارت، آلودگی و تخریب محیط‌زیست می‌باشد که هرکدام از آن‌ها را می‌توان ثمره ویژه جوامع صنعتی و یکی از ره‌آوردهای صنعتی شدن اجتماعات بشری دانست که به این ترتیب کشورهای در حال توسعه، سهم بسیار کمتری در پیدایش این پدیده خواهند داشت (قاسمی، همان، ص ۴۲).

۴. ماهیت مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی

هدف اصلی در تعیین مسئولیت در رهگذر موضوعات زیست‌محیطی، پیشگیری از ورود خسارت بر آن می‌باشد. یعنی نگاه آن متوجه آینده بوده و شامل خساراتی که هنوز واقع نشده‌اند نیز، خواهد بود. بنابراین، هنگامی که تهدید جدی در مورد وقوع آن در آینده نزدیک وجود

دارد، مسئولیت در برابر خسارات زیست‌محیطی محقق می‌شود (کاتوزیان، انصاری، همان، ص ۲۹۱). سؤالی که در این جا مطرح است این است که آیا نظام مسئولیت ناشی از خسارات زیست-محیطی، تابع قواعد مسئولیت در حقوق عمومی است یا از نظام مسئولیت مدنی سنتی در حقوق خصوصی پیروی می‌کند؛ زیرا قواعد مسئولیت در حقوق عمومی و خصوصی با یکدیگر متفاوت هستند.

هریک از شاخه‌های مزبور هدف متفاوتی را دنبال می‌کنند، چنان‌چه هدف قواعد مسئولیت در حقوق عمومی حمایت از منافع جامعه و حقوق عمومی است. (همان، ص ۲۸۸) به این معنا که بایستی با اعمال نهادهای عمومی و قانونگذاری، معیارهای زیست‌محیطی را بهبود بخشید و از طریق قواعد کیفری به مجازات عاملان زیان پرداخت و به وسیله مالیات خسارات زیست‌محیطی را جبران کرد (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸). در حالی که در حقوق خصوصی، هدف از آن جبران خسارات وارده بر اشخاص و اموال آنان است (کاتوزیان، انصاری، همان، ص ۲۹۱). بر این اساس، خسارات زیست‌محیطی اصولاً زیان به افراد است و بایستی خود اشخاص خصوصی به اقامه دعوی بپردازند (رجبی، همان، ۱۷۸).

هم‌چنین، در قواعد سنتی مسئولیت مدنی، خسارت دارای مفهوم خاصی است و ناظر به ضرر بر اموال و حقوق خصوصی اشخاص است. در مورد امکان مطالبه خسارت‌های زیست‌محیطی با استناد به قواعد مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی تردید وجود دارد؛ زیرا هدفی که در حقوق خصوصی وجود دارد، این است که مسئولیت مدنی مرتبط با حمایت از منافع شخصی است که در قلمرو محیط‌زیست مطرح است. در نتیجه، افراد خصوصی به تنهایی نمی‌توانند پاره‌ای از اصول مسئولیت مدنی ناشی از محیط‌زیست را تعقیب یا اجرا کنند (رجبی، همان، ص ۱۷۹)، مگر این که از حق بر محیط‌زیست سالم به عنوان یک حق بنیادین یاد شود و هر نوع خسارت بر آن به معنای لطمه بر حق امنیت انسان‌ها تلقی شود. در این خصوص برخی از حقوق‌دانان خسارت زیست-محیطی را خسارت به شخص یا جامعه افراد نمی‌دانند، بلکه جهان طبیعی را به عنوان «دارایی مشترک ملت‌ها» دانسته و محیط‌زیست به مال و شیئی تشبیه شده است که استناد از آن متعلق به جامعه است (کاتوزیان، انصاری، همان، ص ۲۸۹-۲۸۸).

قواعد عمومی عطف به ماسبق می‌شوند و می‌توانند خسارات قدیمی را پوشش دهند؛ ولی قواعد خصوصی تنها نسبت به آینده اعمال شده و خساراتی را می‌توان بر مبنای آن درخواست نمود که پس از آن به وجود آید؛ بنابراین بنظر می‌رسد که دعوی خصوصی پاسخ مناسبی برای جبران خسارات زیست‌محیطی نباشد. مسئولیت مدنی اصولاً در جهت جبران خسارت زیان‌دیده و

شیوه‌ای مبتنی بر مسئولیت زیان‌زننده برای جبران خسارت است؛ اما درباره تأثیر آن در جبران مناسب خسارت زیست‌محیطی در پرتو موانع اثبات تقصیر و محدودیت‌هایی که برای دستیابی به نتیجه مطلوب وجود دارد؛ تردید می‌باشد. با این مفهوم، برای جبران خسارات وارده بر محیط‌زیست از طریق قواعد مسئولیت مدنی، باید آن را زیان به انسان‌ها دانست و حال آن که خسارت زیست‌محیطی، بیشتر خسارت به منابع طبیعی تلقی می‌شود و کمتر متناسب با نظام سنتی مسئولیت مدنی است (رجبی، همان، ص ۱۸۱-۱۸۰). بنابراین، دلایل عدم موفقیت قواعد سنتی مسئولیت مدنی در این خصوص عبارتند از:

۱- زیان‌دیدگان خسارت‌های زیست‌محیطی انگیزه بسیار کمی نسبت به پیگیری و مطالبه خسارت‌های زیست‌محیطی دارند؛

۲- اثبات رابطه سببیت و همچنین، ارزیابی خسارت‌های زیست‌محیطی دشوار بوده و حتی در پاره‌ای از موارد می‌تواند از توان مرجع رسیدگی‌کننده نیز خارج باشد؛

۳- از آن جایی که اصولاً و در غالب موارد، اجزا و عناصر محیط‌زیست جزء اموال خصوصی اشخاص به شمار نمی‌روند؛ بنابراین شرط تحقق مسئولیت مدنی یعنی نقض حقوق مالکیت فردی فراهم نخواهد بود.

به این ترتیب می‌توان گفت که نظام مسئولیت زیست‌محیطی که مبتنی بر جبران و پیشگیری از خسارت‌های وارده بر محیط‌زیست می‌باشد، با تکیه بر قواعد مسئولیت مبتنی بر حقوق عمومی همراه با قواعد مسئولیت مدنی می‌تواند کارآمد و عملی باشد؛ اما قواعد مسئولیت مدنی سنتی در این زمینه به تنهایی کارآمد نیست (کاتوزیان، انصاری، همان، ص ۲۹۰).

۵. مبنای مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی

در مورد نوع و مبنای مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی در کشورهای مختلف دیدگاه واحدی وجود ندارد. در بیشتر کشورها گرایش به سمت مسئولیت مطلق است. یعنی برای عاملین خسارت‌های زیست‌محیطی، مسئولیت مطلق قابل شده‌اند. به عبارت دیگر، اثبات تقصیر در ایجاد مسئولیت نقشی ندارد و براساس این نظریه، عاملین واردکننده خسارت مقصر محسوب می‌شوند. طرفداران پذیرش مسئولیت مطلق برای واردکنندگان خسارت، دلایل عمده‌ای را ذکر می‌کنند. آنان معتقدند که برای خواهان مشکل است تا تقصیر خوانده خسارات زیست‌محیطی را اثبات کند. کسی که در عرصه محیط‌زیست دارای فعالیت خطرناک است، باید خطر جبران خسارات آن را نیز، متحمل شود (Cane, 2001, p.19). از سوی دیگر، علاوه بر این که دشواری اثبات

تقصیر را مرتفع می‌سازد، اجرای سیاست‌های اصول حفاظت از محیط‌زیست را بهتر تأمین می‌کند. هم‌چنین، از آن جا که هدف اولیه از مسؤولیت زیست‌محیطی پیشگیری از بروز خسارت است، هدف مزبور از طریق مسؤولیت مطلق بهتر تأمین می‌شود (کاتوزیان، انصاری، همان، ص ۲۹۴). در مقابل نیز، برخی انتقادهایی را بر پذیرش مسؤولیت مطلق وارد می‌کنند. منتقدان بر این باور هستند که هیچ دلیل تجربی وجود ندارد که بیانگر این موضوع باشد که برقراری این نظام منجر به نتیجه عینی و فوری می‌شود. بنابر اعتقاد آنان صرفاً با اظهارات ساده نمی‌توان مدعی شد که مسؤولیت مطلق اثر بازدارندگی بیشتری نسبت به مسؤولیت مبتنی بر تقصیر دارد (Wild, 2001, p.27).

در نظام حقوق ایران، جبران خسارات زیست‌محیطی مبتنی بر نظریه تقصیر است و به موجب آن تنها دلیلی که می‌تواند مسؤولیت کسی را نسبت به جبران خسارتی توجیه کند، احراز رابطه علیت بین تقصیر او و خسارت وارده است (کاتوزیان، همان، ص ۱۸۳). یعنی صرف ارتکاب تقصیر از ناحیه مسؤل ورود خسارت برای تأثیر گذاری بر مسؤولیت مدنی عامل زیان به تنهایی کافی نیست و همان‌طور که وجود رابطه سببیت برای تحقق مسؤولیت مدنی ضروری می‌باشد، در این مورد نیز، وجود آن لازم می‌باشد (کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸). و علت قبول مسؤولیت خواننده فقط به خاطر تقصیری است که مرتکب شده است و زیان دیده باید به عنوان مدعی، تقصیر و رابطه علیت بین تقصیر فاعل زیان و خسارت‌های وارده را به اثبات برساند (قاسم زاده، همان، ص ۲۶). بنابراین، در صورت عدم اثبات تقصیر، مسؤولیت متوجه او نبوده و جبران خسارتی نیز، مطرح نخواهد بود (ره پیک، ۱۳۸۷، ص ۳۷)؛ اما به موجب ماده «۹۵۳» قانون مدنی که تصریح کرده است: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط» و بعبارتی، تقصیر عبارت است از انجام عملی که شخص نمی‌بایست مرتکب شود (تعدی) و یا ترک عملی که شخص می‌بایست انجام دهد (تفریط) (قاسم زاده، همان، ص ۳۵)، پس آیا می‌توان خسارت زیست‌محیطی را تجاوز از حد متعارف و نیز، تجاوز به حق دیگری دانست؟ به دلیل آن که هرکس برای حفظ مال غیر، باید بطور متعارف رفتار نماید و با عمل خود نایستی سبب ورود خسارت بر دیگری شود، صرف ورود خسارت‌های زیست‌محیطی موجب مسؤولیت مدنی شخص می‌گردد و به عنوان خطا و تقصیر تلقی می‌شود و عاملین واردکننده خسارت نیز، مقصر محسوب می‌شوند و از این نظر با مبنای مسؤولیت در قانون مسؤولیت مدنی که مبتنی بر تقصیر است؛ انطباق دارد و در این صورت دیگر نیازی به اعمال «مسؤولیت مطلق» یعنی تحقق مسؤولیت بدون احراز تقصیر که روند تحول حقوق به این سو می‌باشد؛ نخواهد بود.

۶. هدف از برقراری مسئولیت مدنی در محیط زیست

با بررسی در مفهوم مسئولیت مدنی می‌توان دریافت که الزام و ناگزیر بودن در محتوای آن نهفته است و بدون این الزام به جبران خسارت، مفهوم مسئولیت مدنی مفهومی بی‌معنا است. در بحث‌ها و سیاست‌های مربوط به محیط‌زیست و از جمله بحث مربوط به آلودگی‌های زیست-محیطی، یکی از طرق مؤثر در جلوگیری از ورود آلودگی بر محیط‌زیست را اهرم‌های حقوقی می‌دانند و از جمله این اهرم‌های حقوقی، «مسئولیت مدنی آلوده‌کنندگان محیط‌زیست» می‌باشد. مسئولیت مدنی ناشی از لطمه و اختلال بر محیط‌زیست، راه و طریقی است برای اجبار و الزام آلوده‌کنندگان به جبران خسارتی که سبب شده‌اند یا روشی است برای اجبار آلوده‌کنندگان تا هزینه‌های جبران و اصلاح خسارت وارده را بپردازند. بنابراین، حقوق مسئولیت مدنی یکی از طرق الزام آلوده‌کنندگان به جبران خسارت متحمل شده توسط زیان‌دیده است و تهدیدی از این نوع محرک خوبی به وجود می‌آورد که از وقوع خسارت در آینده جلوگیری نماید (درویدیان، ۱۳۷۶، ص ۴۰).

مسئولیت مدنی در گذشته تنها به عنوان یکی از مباحث فرعی حقوق مدنی مورد توجه بود؛ اما امروزه مهم‌ترین قسمت حقوق تعهدات به شمار می‌رود (لوراسا، ۱۳۷۵، ص ۳۶). دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی امروزه بزرگترین دعاوی مدنی را تشکیل می‌دهد. توسعه روز افزون مسئولیت مدنی در وهله اول مرهون کثرت خساراتی است که بر اثر ترقی جامعه صنعتی و ماشینی پدید می‌آید. این فراوانی دعاوی نشانه تغییر تفکر و نمودار نیاز به امنیت در زندگی است که بیش از پیش همراه با خطر است و از طرفی به جهت احقاق حق برای زیان‌دیده در حقوق معاصر و برقراری نظم و امنیت اجتماعی و حفظ عدالت در جامعه و نیز، موضوع حفاظت از محیط‌زیست و مسئولیت واردکنندگان خسارت بر آن، مسئولیت رو به افزایش و فراوانی است و وقوع حادثه فرصت مناسب برای مطالبه خسارت وارده است و زیان‌دیده این فرصت را از دست نمی‌دهد (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۸).

۷. ارکان مسئولیت مدنی واردکنندگان خسارت بر محیط زیست

همان‌گونه که هر شیء دارای عناصر متشکله‌ای می‌باشد، مسئولیت مدنی واردکنندگان خسارت بر محیط‌زیست نیز دارای ارکانی می‌باشد که بدون وجود آن مسئولیتی محقق نخواهد شد. برای تحقق مسئولیت زیست‌محیطی باید ۱- خسارت ملموس و عینی باشد. ۲- یک یا چند عامل آلاینده معین یا قابل تعیین وجود داشته باشد. ۳- رابطه سببیت میان خسارت و عامل آلاینده

موجود باشد (کاتوزیان، انصاری، همان، ص ۲۹۹). در این شرایط است که متضرر از عمل زیانبار می‌تواند در چارچوب مسؤولیت مدنی اقامه دعوی کند و از دادگاه ذیصلاح تقاضای جبران خسارت نماید و بدون وجود سه رکن مذکور حق طرح دعوی وجود ندارد (داراب پور، ۱۳۸۷، ص ۹۵).

یک فعالیت خاص در صورتی آلاینده و مخرب محسوب می‌شود که نسبت به عناصر زیست-محیطی اعم از موجودات زنده و غیرزنده آسیب و ضرر وارد نماید و همچنین وجود مواد آلاینده و مخرب محیط‌زیست ناشی از فعالیت انسان باشد. به همین دلیل است که آلودگی و تخریب محیط‌زیست را به عنوان خطا و تخلف تلقی کرده و تحت عنوان «فعل زیانبار» نیز، نامیده می‌شود. بنابراین، سخن از عواملی که در وقوع خسارت (آلودگی و تخریب) دخالت دارند، زمانی پیش می‌آید که ناشی از فعالیت انسان باشد. عبارتی، شخص مستقیماً در وقوع خسارت دخالت نماید، یا این که سبب وقوع خسارت شود.

احراز رابطه سببیت بین فعل زیانبار و خسارت وارده، در مواردی که حادثه یا فعل واحد موجب ورود خسارت شده است، امری آسان و روشن است؛ زیرا حوادث دیگری دخیل در ورود خسارت نیست که احتمال سببیت آن نیز، داده شود (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳). دشواری اثبات این رابطه در زمینه فعالیت‌های زیست‌محیطی به چندین برابر می‌رسد؛ زیرا باید عامل اصلی را شناخت و آن را به عنوان «سبب مسؤول» معرفی کرد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). حال آن که ممکن است خسارتی برای بشر ناشناخته باشد و نتوان سبب آن را به راحتی شناخت و یا این که آثار آن سالیان سال به طول می‌انجامد تا آشکار شود (رجبی، همان، ص ۱۸۲). البته در زمانی که نمی‌توان آلودگی را به یک یا چند آلاینده معین نسبت داد، مانند آلودگی هوای ناشی از دود اتومبیل‌ها یا خسارت به زمین و آب‌ها که در اثر استفاده کشاورزان از کودهای شیمیایی به وجود می‌آیند، مسؤولیت زیست‌محیطی نیز، مطرح نخواهد بود (کاتوزیان، انصاری، همان، ص ۲۹۹). مسلماً در مورد بیشتر آلودگی‌های آب، هوا یا صوتی که به دست چند آلاینده صورت می‌گیرد، مقصر را نمی‌توان تعیین کرد، بلکه در این‌جا بایستی میان آلاینده‌گان، مسؤولیت تضامنی قایل شد تا خواهان بتواند به آن که آسان‌تر است؛ رجوع نماید. آن‌گاه خود آلاینده‌گان نیز، به خاطر آگاهی که از حرفه خود دارند و با توجه به روابط میان خود، به حل و فصل مسأله می‌پردازند که این امر برای حمایت از زیان‌دیدگان فردی بسیار مفید است. البته بایستی رابطه سببیت میان آلاینده‌گان و فعالیت زیانبار آنان اثبات شود و زیان‌دیده با توجه به ماهیت خسارت وارده، تنها

می تواند به آلاینده‌گانی رجوع نماید که در زمینه خسارت وارده فعالیت می کنند و به یک عنصر خاص از محیط زیست آسیب رسانده‌اند (رجبی، همان، ص ۱۸۴).

۸. انواع قراردادهای خصوصی در مسئولیت مدنی واردکنندگان خسارت بر محیط زیست

الزام به پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، امری اجتماعی و حقوقی است که جهت حفظ نظم و تعادل در جامعه و احترام به عهد و پیمان میان طرفین قرارداد برقرار شده است. زمانی که فردی متعهد به امری شود، اجرای آن وظیفه قانونی، اجتماعی، اخلاقی و حتی دینی او محسوب می شود که این امر کاری پسندیده در همه جوامع و ملل بوده و تخلف از آن به عنوان نوعی خطا و عمل ضد اجتماعی تلقی می گردد. به همین منظور و برای جلوگیری از این تخلف، غالب کشورها در قوانین خود ضمانت‌های اجرایی که عمدتاً مالی می باشد (جبران خسارت طرف غیرمقصر) پیش‌بینی کرده‌اند (عادل، ۱۳۸۰، ص ۷۷). در سیستم حقوقی ایران برای جبران خسارت ناشی از تخلف قراردادی سه راه حل وجود دارد: ۱- تعیین صریح مبلغ خسارت در قرارداد، قبل از ورود خسارت. ۲- تعیین راه و روش ارزیابی میزان خسارت پس از ورود خسارت که این روش، روشن‌ترین وضعیت را در سیستم حقوقی ایران دارد که بر اساس آن، هر نوع توافقی برای جبران خسارت پس از ورود آن تا زمانی که مخالف قانون یا عرف نباشد؛ معتبر است و در صورت عدم توافق نیز، دادرسی راهگشای مشکل خواهد بود. ۳- تعیین میزان و چگونگی جبران خسارت توسط قانون (مانند حکم دادگاه) و یا عرف (تعیین ضمنی از سوی طرفین قرارداد) (همان، ص ۸۰). بنابراین، گاهی قراردادهای خصوصی این تعهد را محدود می‌سازد، یا از بین می‌برد و حتی بر شخص دیگری تحمیل می‌کند که هر یک از انواع این قراردادها در قبل و بعد از ورود خسارت به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۱. قرار دادهای پس از ورود خسارت

گاهی پس از ورود خسارت، قراردادی میان مسؤول جبران خسارت و زیان‌دیده بسته می‌شود و در این قرارداد، میزان خسارت و همچنین چگونگی جبران خسارت وارده تعیین می‌شود. چنین قراردادی نافذ است و هیچ‌کس آن را مغایر با نظم عمومی نمی‌داند و مفاد آن نیز، به نظام جامعه خلل نمی‌رساند؛ زیرا موضوع قرارداد جبران خسارتی است که بر زیان‌دیده وارد آمده است (کاتوزیان، همان، ص ۷۱۶-۷۱۵).

۸-۲. قراردادهای پیش از ورود خسارت

در قراردادهایی که قبل از ورود خسارت منعقد می‌شود، پرداخت خسارت یا به وسیله ضررزننده است که از آن به شرط وجه التزام یاد می‌شود و یا به وسیله شخص ثالث صورت می‌گیرد که از آن به بیمه یاد می‌گردد (عادل، همان، ص ۸۰). در این نوع از قراردادها، طرفین قرارداد در خصوص خسارت‌های احتمالی آینده تدابیری می‌اندیشند و می‌توان گفت که این نوع از قراردادها و شروط به منظور افزودن یا کاستن و حتی از بین بردن مسئولیت واردکنندگان خسارت انعقاد می‌یابد و بنابراین، نایستی پیش از تحلیل حقوقی موضوع آن نافذ شمرده شود؛ زیرا اجرای پاره‌ای از آن‌ها سبب رواج بی‌مبالاتی می‌شود و وصول به هدف‌های غیراخلاقی را آسان می‌سازد. در بررسی اثر این قراردادها توجه به این نکته ضروری است که قراردادها و شروط مذکور خود به دو دسته شروط کاهش و افزایش دهنده مسئولیت تقسیم می‌شود که به بررسی هریک از این شروط مبادرت می‌گردد (کاتوزیان، همان، ص ۷۱۶).

۸-۲-۱. شرط کاهش مسئولیت

شرطی که قبل از ورود خسارت سبب کاهش مسئولیت می‌شود، به دو صورت مسئولیت را کاهش می‌دهد که عبارتند از:

۱- شرط عدم مسئولیت: شرط عدم مسئولیت جز در مواردی که نامشروع است، تعهد مربوط به جبران خسارت را در حدود مفاد خود از بین می‌برد، یعنی زیان‌دیده حق مطالبه خسارت را از دست می‌دهد و تعهد مسؤل در برابر او از بین می‌رود (کاتوزیان، همان، ص ۷۲۵). به عنوان نمونه، فردی که حق شکار در مزرعه‌ای را دارد، با کشاورزان همسایه برطبق قراردادی شرط می‌کند که مسؤل خسارتی که از فرار شکار به محصولات آن‌ها وارد می‌شود؛ نباشد (همان، ص ۷۱۷).

۲- شرط محدودکننده مسئولیت: بر اثر شرط محدودکننده مسئولیت، مسؤل جبران خسارت با زیان‌دیده احتمالی بر طبق قراردادی، مسئولیت خود را محدود به پرداخت مبلغ معین می‌نماید. هم‌چنین، حکم به پرداخت خسارت از میزان تعیین شده فراتر نمی‌رود و حتی دادگاه نیز، نمی‌تواند میزان آن را افزایش یا کاهش دهد و در زمان ورود خسارت مطابق با میزان تعیین شده در صدد جبران خسارت وارده برمی‌آیند (همان، ص ۷۲۷). برای مثال، هرگاه صاحب کارخانه‌ای با باغداران اطراف کارخانه بر طبق قراردادی توافق نماید که هرگاه به علت آلودگی هوا به درختان باغ آسیبی برسد، صاحب کارخانه ملزم به پرداخت مبلغ معینی به باغداران است، چنین

توافقی میان دو طرف قرارداد الزام آور است و در صورت ورود خسارت بر اثر آلوده شدن هوا، صاحب کارخانه مسؤول پرداخت مبلغ تعیین شده است.

۸-۲-۲. شرط افزایش مسؤولیت

هرگاه مسؤول جبران خسارت با زیان دیده احتمالی قراردادی را قبل از ورود خسارت منعقد نماید که حتی در صورت عدم تقصیر نیز، مسؤول جبران خسارت وارده باشد، این توافق و شروط را به نام «شرط افزایش مسؤولیت» می نامند و با انعقاد این شرط بر مسؤولیت خود می افزاید. (کاتوزیان، همان، ص ۷۳۶) چنانچه صاحب کارخانه ای با ساکنان اطراف کارخانه ضمن قراردادی توافق نماید که در صورت عدم تقصیر نیز، مسؤول جبران خسارت وارده باشد، این شرط بر مسؤولیت صاحبان کارخانه آلوده کننده می افزاید.

۹. جبران خسارت زیست محیطی در مسؤولیت مدنی

صرف نظر از این که در قوانین اغلب کشورها تخریب و آلودگی محیط زیست از جرایم زیست محیطی محسوب می گردد، حفاظت از محیط زیست بیش از پیش مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. بنابراین، به جای این که اجازه داده شود تا افراد با انهدام یا آلوده کردن محیط زیست مرتکب جرم شوند و سپس به دلیل جرم ارتكابی به مجازات برسند، بهتر آن است که از ابتدا توجه اساسی صرف پیشگیری از وقوع جرایم علیه محیط زیست شود و به دنبال مکانیزمها و روش هایی بود که متضمن پیشگیری و جلوگیری از ورود خسارت بر محیط زیست است (قوام، همان، ص ۴۳)؛ زیرا هرگونه تلاش در این زمینه به مراتب ارزشمندتر از تلاشی است که در جهت جبران خسارت وارده انجام می شود. چه بسا این امکان وجود دارد که محیط زیست آلوده و تخریب شده هرگز به وضعیت گذشته خود باز نگردد و آثار منفی ورود این خسارت همواره بر پیکره محیط زیست باقی بماند (قاسمی، همان، ص ۱۶۵). یکی از مهم ترین اصول در میان سیاست های زیست محیطی که به موجب آن، فرد مسؤول آلودگی که زیان وارده بر محیط زیست ناشی از عمل او است، باید هزینه های جبران خسارت وارده را تأمین نماید و مسؤول پرداخت خسارت گردد، «اصل پرداخت توسط آلوده ساز» است. این اصل از اصول راهبردی جامعه اروپا در خصوص محیط زیست است و به عنوان یک وسیله مؤثر اقتصادی نیز، تلقی می گردد؛ زیرا هزینه هایی را برای جلوگیری از آلودگی که به عنوان مقررات کنترل کننده توسط مقامات عمومی بنیاد نهاده شده است، تخصیص داده است. آلوده کننده محیط زیست علاوه بر آن که هزینه های

رفع آلودگی را تقبل می‌نماید، این مسؤولیت را بایستی با توجه به منافع عمومی، بدون آن که به تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری آسیبی وارد آید، به انجام رساند (کیس، ۱۳۸۴، ص ۸۱-۸۰). به عبارت دیگر، این اصل بر این پایه استوار شده است که آلاینده باید هزینه‌های پیشگیری و نظارت بر آلودگی را برای اطمینان از این که محیط‌زیست در موقعیت مناسبی است؛ متحمل شود (رجبی، همان، ص ۱۶۴). در بسیاری از دعاوی، تعیین میزان خسارات وارده بر محیط‌زیست بر پایه از دست رفتن منابع طبیعی و هزینه اعاده کاربرد آن است (Wilde, op.cit, p.33).
 با لحاظ اصول و مبانی مسؤولیت مدنی، جبران خسارات وارده بر محیط‌زیست نیز، از طرق مختلف تحقق می‌پذیرد که خود شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- اعاده طبیعت به وضع سابق: منظور از اعاده طبیعت به وضع سابق، قراردادن محیط‌زیست آسیب‌دیده در موقعیتی است که گویا فعل زیانبار علیه آن انجام نگرفته است و اگر عامل زیان، مرتکب اقدام زیانبار نمی‌شد، محیط‌زیست آلوده و تخریب شده هم اکنون در آن موقعیت قرار داشت. البته جبران خسارت وارده بر محیط‌زیست از راه بازگرداندن طبیعت به وضع سابق تنها نسبت به آینده مؤثر است و زیان‌های گذشته را از بین نمی‌برد. در این روش در مرحله نخست از راه بازگرداندن عین اجزای محیط‌زیست یا مصادیق آن اعم از گیاه، حیوان و ... سعی می‌شود تا خسارت وارده بر محیط‌زیست جبران شود؛ اما در اکثر موارد بازگرداندن منابع طبیعی آلوده و تخریب شده به حالت اولیه عملی نمی‌باشد؛ زیرا ویژگی برخی از خسارت‌های زیست‌محیطی مانند تأثیر برخی از آلوده‌کننده‌ها به گونه‌ای می‌باشد که تا مدت زمان طولانی در طبیعت باقی می‌ماند تا از بین برود. در مرحله بعدی اگر آلوده‌کننده به فعالیتی می‌پردازد که بطور مستمر باعث ورود خسارت بر منابع طبیعی می‌شود، از بین بردن منبع آلوده‌کننده مهم‌ترین راه جبران خسارت است. چنانچه در صورت ایجاد آلودگی هوا توسط کارخانه آلاینده، از بین بردن منبعی که باعث ورود خسارت می‌شود، یعنی رفع آلودگی و تعطیلی کارخانه آلوده‌کننده در اولویت قرار دارد و به عبارت دیگر، از بین بردن آثار این تصرفات ناروا، وضع را به صورت پیشین در می‌آورد و از متضرر رفع ضرر می‌نماید.

۲- ارایه معادل: روش دیگری که در چارچوب مسؤولیت مدنی برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، ارایه معادل و جایگزین و جانشین کردن منابع طبیعی آلوده و تخریب شده با یک منبع معادل می‌باشد. در این روش ابتدا سعی می‌شود تا رفع خسارت وارده از طریق جبران به مثل مرتفع گردد. برای نمونه، زمانی که مزارع تکثیر آبریان مولدین مورد نیاز خود را از طبیعت صید و تهیه می‌نماید، جهت حفظ ذخایر آن موظف به رها

سازی نوزاد همان آبرزی به همان منبع آبی یا محلی که شیلات تعیین می‌کند؛ هستند. البته گاهی فراهم آوردن مثل و مانند آن چه که خسارت بر آن وارد شده است؛ میسر نمی‌باشد و در این صورت با پرداخت قیمتی که میزان آن با ارزش خسارت وارده بر محیط‌زیست برابر باشد؛ تلاش می‌شود تا تنها گوشه‌ای از خسارت وارده جبران شود. برای مثال، در صورت شکار و صید غیرمجاز جانوران وحشی در ایران، شورای عالی حفاظت محیط‌زیست بهای هریک از جانوران وحشی را از لحاظ مطالبه ضرر و زیان تعیین و تصویب کرده است؛ اما ارزش هریک از این جانوران وحشی بسی فراتر از ارزش مبلغی است که بابت خسارت وارده پرداخت می‌شود. لازم به ذکر است که اکثر خسارات زیست‌محیطی از طریق پرداخت قیمت جبران می‌شود.

بنابراین، از ویژگی‌های مثبت لحاظ مسئولیت مدنی در جهت جبران خسارات وارده بر محیط‌زیست، آن است که خواه ورود خسارت از روی عمد یا غیرعمد و خواه از روی آگاهی یا جهل تحقق پذیرد، باید جبران شود. به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی ناشی از ورود لطمه و اختلال یا ورود خسارت بر محیط‌زیست، راه و طریقی است برای اجبار و الزام آلوده‌کنندگان به جبران خسارتی که سبب شده‌اند یا روشی است برای اجبار و الزام آلوده‌کنندگان به جبران خسارتی که متحمل شده توسط زیان‌دیده که معمولاً با پرداخت هزینه اصلاح، خسارت وارده جبران می‌شود. از دیگر ویژگی‌های این مسئولیت در جبران خسارات زیست‌محیطی، آن است که نه تنها علت و سبب خسارت، بلکه مقدار و میزان خسارت وارده را نیز، مدنظر قرار می‌دهد و در زمان صدور حکم به جبران خسارت، عوامل مهمی مانند تغییرات در رشد یا تکثیر انواع جانداران، پرندگان و هر گونه کاهش در سطح و میزان خدمات و منافع که به وسیله منابع طبیعی ارایه می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد. البته اگر روش‌های یاد شده در جبران خسارت بطور کامل به مرحله اجرا درآید؛ می‌تواند از گسترش خسارات زیست‌محیطی هم جلوگیری نماید.

۱۰. وسایل تأمین جبران خسارت

برای این که خسارتی جبران نشده باقی نماند، قانونگذار تمهیداتی گوناگون اندیشیده است و از جمله مهم‌ترین این تمهیدات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **ایجاد مسئولیت تضامنی:** زمانی که چند نفر سبب ورود خسارت بر محیط‌زیست یا انسان شوند، در صورتی که مسئولیت نسبی باشد، خواهان باید علیه هریک از مباشرین یا مسببین ورود خسارت، به میزان خسارتی که سبب شده‌اند، طرح دعوی نماید که نتیجه این امر آن می‌باشد که خواهان باید چند دعوی اقامه نماید و این کار علاوه بر این که هزینه زیادی را به همراه دارد،

مستلزم صرف زمان طولانی نیز می‌باشد. هم‌چنین، در اکثر موارد برای خواهان توانایی محاسبه میزان و مقدار خسارتی که به وسیله هریک از عاملین ایجاد می‌شود؛ غیرممکن است و برای دوری از این نتایج، حافظان محیط‌زیست خواستار مسؤولیت تضامنی می‌باشند تا خواهان بتواند بر یکی از آلوده‌کنندگان که دسترسی به آن آسان‌تر است؛ رجوع نماید و به منظور جبران خسارت وارده طرح دعوی نماید.

۲- بیمه اجباری مسؤولیت: برای این که زیان‌دیده با بدحسابی مسؤول ورود خسارت روبرو نشود، قانون اجازه داده است که زیان‌دیده بطور مستقیم به بیمه‌گر رجوع نماید و در این راه نیازی به دخالت بیمه‌گذار نباشد. هم‌چنین، مسؤولیت شخص بیمه‌نشد می‌تواند منتهی به ورشکستگی یک شرکت گردد؛ زیرا گاهی خسارت وارده به حدی شدید است و مسؤول ورود خسارت نیز، فاقد سرمایه کافی است و در این صورت بدون بیمه کردن حتی امکان دارد که جبران خسارت غیرممکن گردد. امروزه مسأله آلودگی و اثرات زیانبار آن در صنعت بیمه نیز، مورد توجه قرار گرفته است. شرکت‌های بیمه آلودگی را به دو دسته متمایز، یعنی آلودگی اتفاقی و آلودگی تدریجی تقسیم کرده‌اند. آلودگی اتفاقی عبارت است از: «خسارتی که از یک حادثه ناگهانی و اتفاقی مانند آتش‌سوزی، انفجار، از کار افتادن دستگاه‌ها، خطا و نظایر آن ناشی می‌شود و بلافاصله بعد از حادثه مواد سمی انتشار می‌یابد» و منظور از آلودگی تدریجی: «انتشار یا تخلیه تدریجی و یا مستمر مواد آلوده‌کننده است که در طول مدت زمان طولانی به لحاظ متراکم شدن و یا تأثیرات دیگری که برجای می‌گذارد، موجب بروز خسارت می‌گردد». (الفی، ۱۳۸۸، ص ۴۶) برخی از شرکت‌های بیمه به علت مشکل خطرهای دامنه‌دار، معمولاً مسؤولیت زیست-محیطی را بیمه نمی‌کنند، مگر در مورد خساراتی که به صورت ناگهانی و اتفاقی رخ دهد و آن هم عموماً مربوط به دوره‌ای کوتاه و نتایج سریع حادثه باشد و خساراتی که تدریجی و در طی دوره زمانی بلند رخ می‌دهد، در این دسته قرار نمی‌گیرند و بسیار تمایل به اثبات این موضوع دارند که خساراتی که بطور عقلایی قابل پیش‌بینی و بالطبع آن قابل اجتناب هستند؛ اتفاقی نبوده‌اند و به همین دلیل قابل بیمه شدن نیز نمی‌باشند (Wilde, op.cit, p.35). در بیشتر بیمه‌نامه‌ها شرطی وجود دارد که بر پایه آن مسؤولیت ناشی از آلودگی محیط‌زیست که در یک زمان طولانی اتفاق می‌افتد، از قلمرو شمول بیمه مسؤولیت خارج است و خود بیمه‌شده باید خسارات ناشی از آن را جبران نماید (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۵۷۲). و این موضوع از جمله مواردی است که نشانگر نظام خاص بیمه برای جبران خسارات زیست‌محیطی است (رجبی، همان، ص ۱۸۷).

در خساراتی که به صورت ناگهانی و اتفاقی رخ می‌دهد، حق بیمه با توجه به درجه خطرزایی واحدی که قرار است تحت پوشش قرار گیرد؛ محاسبه می‌شود. بنابراین، عواملی از قبیل درصد احتمالی ایجاد آلودگی، درجه ایمنی در برابر آلودگی، ارزش محیط‌زیستی که در معرض آلودگی قرار می‌گیرد، در تعیین حق بیمه یک واحد دخالت خواهد داشت. قدرت آلوده‌کنندگی مواد موجود در محل و مقدار آن می‌تواند مشخص‌کننده درصد احتمالی آلودگی باشد. کیفیت روش‌های ایمنی که در محل به کار گرفته می‌شود، قابلیت افرادی که مسؤول طراحی و اجرای آن‌ها هستند، وسایلی که در محل نصب شده‌اند و چگونگی برخورد مدیریت و کارکنان واحد مورد نظر نسبت به مسایل محیط‌زیست، از عوامل تعیین‌کننده درجه ایمنی می‌باشند و هم‌چنین، برآورد هزینه بازسازی منطقه با توجه به اهمیت میزان آسیب‌پذیری منابع در معرض خطر می‌تواند مبنایی برای تعیین ارزش محیط‌زیست باشد (الفتی، همان، ص ۵۲).

۳- تأسیس صندوق تأمین جبران خسارت: در حال حاضر تشکیل «صندوق ملی محیط‌زیست» با اولویت از سوی حفاظت محیط‌زیست در حال پیگیری است و لایحه این صندوق که خود دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می‌باشد، در حال بررسی و نهایی شدن در شورای اقتصاد دولت است و پس از تأیید به مجلس ارسال خواهد شد و به محض تصویب در مجلس مقدمات کار آماده می‌شود (www.farsnews.net.4/30/2010). هدف از تأسیس صندوق، تقلیل آلاینده‌های وارده بر محیط زیست، جلوگیری از تخریب آن و نیز، کمک به حفظ و حمایت از محیط‌زیست می‌باشد. سرمایه اولیه صندوق مبلغ ده میلیون ریال است و تأمین اعتبار صندوق برای انجام فعالیت‌های مذکور از طریق کمک‌ها و هدایای بخش غیردولتی داخلی و خارجی تأمین می‌گردد و اساسنامه صندوق نیز، مشترکاً توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید (www.tarh.Maglis.4/30/2010). اکنون سعی بر آن است که به دولت پیشنهاد داده شود تا جرایم زیست‌محیطی در کشور با نظر شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان در صندوق ملی محیط زیست قرار گیرد تا صرف فعالیت‌های زیست‌محیطی گردد. هم‌چنین، با کمک صندوق از فعالیت‌های زیست‌محیطی در بخش صنعت حمایت شود تا بدین وسیله مشکلات زیست‌محیطی و اقتصادی کشور نیز، حل شود (www.isna.NewsView.4/18/2010).

نتیجه گیری

از بررسی نحوه و چگونگی پذیرش و اعمال مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی می‌توان دریافت که صرف نظر از وجود ویژگی‌های مثبت مسئولیت مدنی در جبران خسارات وارده بر محیط زیست و علی‌رغم برخورد حقوقی با واردکنندگان خسارات زیست محیطی، گسترش انواع آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست نه تنها کاهش نیافته است، بلکه با سرعت بسیار زیادی روبه افزایش است. با توجه به اهمیت موضوع حفاظت از محیط زیست در حقوق داخلی و بین‌المللی و جایگاه مسئولیت مدنی و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در تخریب محیط زیست، روش‌های جبران خسارت به سمت روش‌های جدید و نوین گرایش پیدا کرده است. امروزه «اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز» یکی از اصول مهم حقوق محیط زیست محسوب می‌شود که براساس آن آلوده‌ساز بایستی بها و هزینه آلودگی را پرداخت نماید. هم‌چنین در خصوص مسئولیت مدنی آلوده‌کنندگان محیط زیست، «ایجاد مسئولیت تضامنی» ضروری می‌باشد تا زیان‌دیده آسان‌تر به جبران کامل خسارت وارده برسد. رشد «صنعت بیمه» در سطح ملی و بین‌المللی یکی دیگر از روش‌های نوین جبران خسارت در مسئولیت مدنی و بین‌المللی می‌باشد. تأسیس «صندوق تأمین جبران خسارت» نیز، تأثیر بسزایی در جهت حفظ و حمایت از محیط زیست و جبران خسارت دارد. از نظام مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی که مبتنی بر جبران و پیشگیری از خسارت‌های وارده بر محیط زیست است، چنین برمی‌آید که قواعد مسئولیت مبتنی بر حقوق عمومی همراه با قواعد مسئولیت مدنی می‌تواند در این راه کارآمد و عملی باشد؛ اما قواعد مسئولیت مدنی سنتی در حقوق خصوصی در این زمینه به تنهایی کارآمد نمی‌باشد؛ زیرا هدف قواعد مسئولیت زیست-محیطی در حقوق عمومی، «پیشگیرانه» است و هدفی رو به آینده دارد. یعنی در موردی که هنوز خسارت واقع نشده است و تهدید جدی در مورد وقوع آن در آینده نزدیک وجود دارد، مسئولیت زیست محیطی محقق می‌شود و انسان را ملزم می‌نماید که از محیط خود و نسل‌های آینده حفاظت کند؛ در حالی که در مسئولیت مدنی سنتی، هدف جبران خسارت وارده بر اشخاص و اموال آن‌ها است و در پاسخ‌گویی به خسارت‌های زیست محیطی ناتوان است. بنابراین، بایستی در مورد جبران و پیشگیری از ورود خسارات زیست محیطی، یا به فکر تمهید قانون خاص مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی بود و یا به قوانین و مقررات حمایت از محیط-زیست مراجعه نمود. در زمانی که یک حادثه مهم زیست محیطی رخ می‌دهد، همگان انتظار مجازات عاملان آن را دارند و این مسأله گویای این واقعیت است که نه تنها ارایه پاسخ‌های کیفری در قوانین و مقررات محیط زیست، در حال حاضر یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است، بلکه

ارایه پاسخ‌های پیشگیرانه مناسب می‌تواند نقش بسزایی در کنترل انواع آلودگی‌ها و تخریب محیط‌زیست داشته باشد. البته نباید نقش دستگاه‌های اجرایی را در کنترل اقدامات آلاینده، افزایش آگاهی‌های عمومی و ایجاد زمینه مشارکت همگانی در حفاظت و حمایت از محیط‌زیست از راه‌های مختلف نظیر رسانه‌های گروهی و آموزشی از نظر دور داشت. به ویژه این که انجام درست و گسترده این اقدامات می‌تواند قوای مقننه و قضایی را نیز، در ایفای هرچه بهتر نقش خود یاری نماید. در راستای پیشگیری و جلوگیری از ورود خسارات زیست‌محیطی، افزایش اقتدار و اختیارات سازمان حفاظت محیط‌زیست به منظور کنترل بیشتر اقدامات انجام گرفته در قلمرو محیط‌زیست کشور ضروری می‌باشد. همچنین، ایجاد سازمان‌های غیردولتی (NGOs) در تمام سطح کشور به صورت مشارکت مردمی، در جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تجاوز و تعدی بر آن، کمک مؤثری می‌نماید. چنانچه، امکان اقامه دعوی و مطالبه خسارات وارده بر محیط‌زیست توسط سازمان‌های غیردولتی فراهم آید که این امر باید از سوی کارشناسان و متخصصان محیط‌زیست مورد توجه جدی قرار گیرد.

امید است که بر مبنای بررسی‌هایی که در این راستا انجام پذیرفته است، گام مؤثری در جهت حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از ورود خسارات زیست‌محیطی برداشته شود؛ زیرا که انجام اقدامات پیشگیرانه در جلوگیری از ورود خسارت و اجتناب از ورود انواع آلودگی‌ها و تخریب محیط‌زیست امری ضروری می‌باشد و به عبارت دیگر، هرگونه تلاش در این زمینه سبب ایجاد محیطی سالم برای زندگی، همراه با نشاط و شادابی برای تمامی انسان‌ها و موجودات زنده کره زمین می‌شود و می‌توان آن را به شکلی سالم به آیندگان و نسل‌هایی که پس از ما می‌آیند؛ تحویل داد.

فهرست منابع

— فارسی

- آبادی، امیرحسین، (۱۳۸۵)، «بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی»، مجله تخصصی الهیات و حقوق/ پژوهش‌ها، شماره ۲۰.
- اکبری، موسی الرضا، (۱۳۸۴)، «مفهوم مسئولیت مدنی اشخاص عمومی»، ماهنامه حقوق دادرسی، شماره ۵۰.
- اکرمی، موسی، (۱۳۸۱)، «مشارکت در حفظ محیط‌زیست»، مجله فلسفه، کلام و عرفان/ بازتاب اندیشه، شماره ۳۴.

- الفتی، محمد سعید، (۱۳۸۸)، «آلودگی محیط زیست»، مجموعه مقالات صنعت بیمه ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده بیمه، چاپ اول.
- انصاری، مسعود و محمد علی طاهری، (۱۳۸۴)، **دانشنامه حقوق خصوصی**، جلد دوم و سوم، تهران، انتشارات محراب فکر، چاپ اول.
- بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، **فلسفه مسؤولیت مدنی**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- باریکلو، علیرضا، (۱۳۸۷) **مسؤولیت مدنی**، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، **مسؤولیت مدنی**، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- تاریمرادی، احسان و محمد تقی فخلعی، (۱۳۸۵)، «مبانی و احکام فقهی محیط زیست»، **مجله علوم انسانی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد**، شماره ۷۱.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۷۶)، **حقوق کیفری محیط زیست**، تهران، نشر قومس، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ بیستم.
- حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۰)، **مسؤولیت مدنی**، تهران، نشر میزان.
- داراب پور، مهرباب، (۱۳۸۷)، **مسؤولیت های خارج از قرارداد**، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- درودیان، حسنعلی، (۱۳۷۶)، **جزوه آموزشی حقوق مدنی ۴ (مسؤولیت مدنی)**، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- رجبی، عبدالله، (۱۳۸۸)، «بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسؤولیت مدنی خسارات زیست محیطی»، **مجموعه مقالات حقوق محیط زیست (نظریه ها و رویه ها)**، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- ره پیک، حسن (۱۳۸۷)، **حقوق مسؤولیت مدنی و جبران ها**، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۷۱)، **حقوق شناسی دیباچه ای بر دانش حقوق**، مشهد، نشر سعیدی، چاپ اول.
- عادل، مرتضی (۱۳۸۰)، «توافق بر خسارت در قراردادها»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شماره ۵۳.

- فیروزی، مهدی (۱۳۸۴)، «مبانی حق برخورداری از محیط‌زیست سالم در قرآن کریم»، مجله فلسفه، کلام و عرفان/ بازتاب اندیشه، شماره ۳۴.
- فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۴)، «قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۳۴ و ۳۵.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، «مبانی مسئولیت مدنی»، تهران. نشر میزان، چاپ پنجم.
- قاسمی، ناصر (۱۳۸۴)، «حقوق کیفری محیط‌زیست»، تهران، انتشارات جمال الحق، چاپ دوم.
- قوام، میرعظیم (۱۳۷۵)، «حمایت کیفری از محیط زیست»، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، «الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استیفاء»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- کاتوزیان، ناصر و مهدی انصاری (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.
- کاظمی، محمود (۱۳۸۴)، «آثار تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۸.
- کیس، الکساندر چارلز (۱۳۸۴)، «حقوق محیط‌زیست»، ترجمه محمد حسن حبیبی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- لورراسا، میشل (۱۳۷۵)، «مسئولیت مدنی»، ترجمه محمد اشتری، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول.
- ولفروم، رودیگر (۱۳۸۱)، «مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات زیست‌محیطی»، ترجمه نادر ساعد، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط‌زیست، شماره ۳۷.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳)، «حقوق جزای عمومی»، تهران، نشر داد، چاپ اول.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹)، «حقوق مدنی (فلسفه و مسئولیت مدنی)»، تهران، نشر ادبستان، چاپ اول.

— لاتین —

- Bar, Christian Von,(1998), **Law of contract**, 26 th/ eds, Clarendon Press.
 - Bell, John, Sophie Boyron, Simon Whittaker, (1998), **Principle of French Law**, Oxford University Press.
 - Cane, Peter, (2001), “**Are Environmental Harms Special?**” Journal of Environmental Law, Vol. 13, No.1.
 - Prosser, William L., (1964), **The Law of Torts**, USA: WEST Publishing Company.
 - Wild, Mark L., (2001), “**The EC Commission’s White Paper on Environment Liability: Issues and Implication**”, Journal of Environmental Law, Vol. 13, No.1.
- **website**
- [http:// www. eeb. Org/ Publication/ general. html](http://www.eeb.Org/Publication/general.html) (3/24/2009)
 - [http:// www. fars news. net](http://www.farsnews.net) (4/30/2010)
 - [http:// www. tarh. majlis. ir](http://www.tarh.majlis.ir) (4/30/2010)
 - [http:// www. isna. ir / ISNA/ News View. aspx](http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx) (4/18/2010)